علم فعلی و تطبیق آن با «ابی اللّه أن یجری الاموور الا باسبابها»

استاد: حال صفت فعل را بعدش می‌گوییم. خُب، اگر از مصادیق امر است، «اگر» دارد یا ندارد؟ روی حساب اینکه علم فعلی الهی را عین اشیاء در نظر بگیریم، اگر از مصادیق امر است، سبب علم الهی چیست؟ «ان یجری الاموور الا باسبابها»، خُب، سبب این چیست؟ علم الهی در اینجا سبب دارد یا ندارد؟ خُب اگر علم فعلی بگیرید، اگر این عین خود علم است و این هم یک سببی دارد، خود سببش هم بخشی از علم فعلی می‌شود. یعنی جوابی که بندە دادم این است: در علم فعلی سبب و مسبب با هم متن علم فعلی هستند. یعنی نمی‌گوییم علم او سبب دارد. چرا؟؛ چون هم مسبب و هم سبب، هر دو در یک سلسله‌ای هستند که علم فعلی هستند. پس سبب، سبب علم نمی‌شود. سبب و مسبب، با هم، علم فعلی هستند.

آیا نفی علم الهی الا بأداة، که در روایات هست با معنای «الا بسبب»، دو معنا دارد یا یک معنا؟ «ابی اللّه أن یجری الاموور الا باسبابها». این چیزی که به ذهن من می‌آید این است که ادات مرتبه‌ای از سبب است. اینکه حضرت علیه السلام فرمودند: «باداة»، ادات یکی از مراتب اسباب علم است. اسباب العلم طیف وسیعی را تشکیل می‌دهد، ادات هم یکی از آن‌ها است. اندازه‌ای که مربوط به جلسه‌ی قبل بود، عرض کردم.

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 15:15:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 فوریه 2024 15:30:17 توسط ... .